



برخورد مهدی فتحی با همه از روی ادب و احترام بود و برایش فرقی نمی‌کرد بازیگر نقش اول است یا نقش صدم. مهدی فتحی با متن می‌آمد سر صحنه و تمام نقش آن روز را حفظ می‌کرد. ایشان با آن سن و سال قبل از انقلاب هم بازیگری درجه یک بود و حتی نقش‌های مقابل را هم حفظ می‌کرد.

گفت‌وگو با سعید رحمانی، فیلمنامه‌نویس «دریایی‌ها»، آخرین سریال مهدی فتحی

# در ستایش استاد بازیگری و بیان

«بازیگر بزرگ و کوچک داریم نه نقش بزرگ و کوچک» این جمله‌ایست که سعید رحمانی فیلمنامه‌نویس از بزرگان بازیگری نقل می‌کند و معتقد است وجود چنین بازیگرهایی که نقش برای‌شان اهمیت دارد تا به بهترین شکل آن را ارائه دهند هر روز دارد کمتر می‌شود. رحمانی، مهدی فتحی را از این نوع بازیگرها می‌شناخت که با نقش‌هایش به خوبی ارتباط برقرار می‌کرد و به این موضوع زمانی بیشتر رسید که در سریال «دریایی‌ها» نقش کارآگاهی به نام آجرلو را به او داده بودند و با این که نقش فرعی بود اما به خوبی با آن ارتباط برقرار کرد و توانست از همان همکاری در این سریال به همذات‌پنداری با چنین شخصیتی برسد. کسی که به خوبی توانسته بود در نقش ژان والژان بازی کند و نزدیک به هفت ماه به نقش سنگینی که بیش از سه ساعت هر شب باید بروی صحنه برود بپردازد. رحمانی به این نکته تأکید داشت که بعد از دیدن این تئاتر بود که در آن زمان ژان والژان‌ترین ژان والژان‌ها را در مهدی فتحی دید که توانسته بود این نقش را به بهترین شکل ممکن بازی کند.

آقای رحمانی شما از چه زمانی با مهدی فتحی آشنا شدید؟

قبل از آنکه سریال «دریایی‌ها» کلید بخورد من با مرحوم فتحی روی صحنه تئاتر آشنا شده بودم. در تئاتر بینوایان که ایشان نقش ژان والژان را بازی می‌کرد. نقش سنگینی که بیش از سه ساعت روی صحنه بود و اتفاقاً به بهترین شکل ممکن توانسته بود از پس آن برآید. بعد از آن من ایشان را از نزدیک در سریال دریایی‌ها دیدم؛ مجموعه‌ای که قرار بود سه‌گانه سریال‌های آقای بیژن بیرنگ و مرحوم مسعود رسام را تکمیل کند. «همسران» که به زندگی زوج‌ها می‌پرداخت، «خانه‌سبز» به خانواده و قرار بود سومین سریال آنها که دریایی‌ها بود به نسبت خانواده با جامعه بپردازد. این سریال در ساختمان چند طبقه‌ای بود که خانواده‌ها در آن زندگی می‌کردند و احساس شده بود به شخصی نیاز است که با کمک آن بتوان هم خانواده و زوج‌ها را به همدیگر وصل کند و هم این که دارای شیرینی و بامزگی خاصی باشد. بر همین اساس شخصیتی به نام آجرلو خلق شد.

طی حضورشان در سریال دریایی‌ها شما از شخصیت ایشان دیگر چه مواردی را شاهد بودید که باعث شد او را از همان دیدار نخست تا ادامه کاریک بازیگر حرفه‌ای ببینید؟

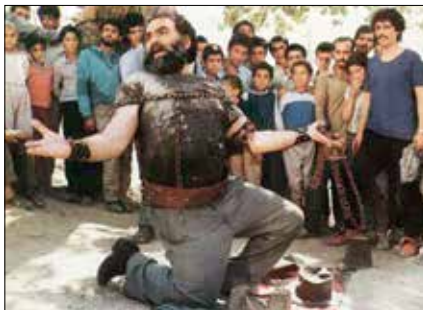
با این که سال‌ها از آن زمان می‌گذرد اما آنقدر شخصیت جالبی داشتند که من هزار سال هم از آن دوران بگذرد می‌گویم مرحوم فتحی به طرز عجیبی و حیرت‌انگیزی حرفه‌ای بود. از همان شخصیت‌هایی که به نظر می‌رسد رو به انقراض است. برخورد مهدی فتحی با همه از روی ادب و احترام بود و برایش فرقی نمی‌کرد بازیگر نقش اول است یا نقش صدم. ویژگی دیگری که من هرگز فراموش نمی‌کنم در این بود که ایشان همیشه دیالوگ‌هایش را حفظ می‌کرد و روی صحنه حاضر می‌شد. مهدی فتحی با متن می‌آمد سر صحنه و تمام نقش آن روز را حفظ می‌کرد. ایشان با آن سن و سال قبل از انقلاب هم بازیگری درجه یک بود و حتی نقش‌های مقابل را هم حفظ می‌کرد. جالب بود وقتی دو بازیگر در مقابل هم حرف می‌زدند معمولاً اورشولدر گرفته می‌شود و چون بازیگر مقابل خارج از کادر است دستیار کارگردان یا منشی صحنه مقابل بازیگر درون کادر می‌ایستد اما آقای فتحی می‌گفت خودش می‌خواهد بایستد چون معتقد بود بازیگر مقابل در این شرایط بهتر می‌تواند حس بگیرد. در صورتی که این تعهد بازی در نسل جوان کمتر است. بازیگرها خوب هستند اما این تعهد در آنها دیده نمی‌شود.

خاطره‌ای دارید که این تعهد کاری را نشان دهد؟

به یاد دارم یک صحنه کوچکی بود که در راه‌پله‌ها گرفته می‌شد. ایشان متنی در دست داشت و دیالوگ‌هایی را می‌خواند در صورتی که آن زمان در خاطرم بود ایشان

ماجرای حضور مهدی فتحی در آخرین سریالش من آجرلو هستم والا خدا نگهدار!

وقتی آجرلو خلق شد پیشنهاد آقای مقدم و گروه تولید بر این بود که آقای مهدی فتحی می‌تواند در این نقش به خوبی ظاهر شود. برای همین به ایشان فیلمنامه داده شد تا بخواند و نظرش را برای بازی در این نقش اعلام کند. نکته جالب نخستین برخورد من با ایشان از همین موضوع شکل گرفت و قرار شد آقای فتحی برای صحبت در این زمینه حاضر شود و در جلسه‌ای که کارگردان و ما فیلمنامه‌نویس‌ها حضور داشتیم بیاید تا اگر سوالی در زمینه متن دارد، بپرسد و فیلمنامه‌نویس‌ها بتوانند به او پاسخ دهند. آقای فتحی در آن دیدار با یک تیپ و شکل و شمایل عجیب حاضر شده بود که بسیار تعجب کردیم و سوال این بود آیا آقای فتحی همیشه با این تیپ ظاهر می‌شود که گفتند خیر. او بعد از سلام و احوالپرسی گفت: «من آجرلو، پیش شما آمده‌ام.» او بعد از خواندن فیلمنامه شخصیتی را که در ذهن خود از آجرلو ساخته بود برای ما به نمایش درآورد. یعنی جلودار ذهن ما پیش رفته بود و گفت اگر آجرلویی که من دیده‌ام از نظر شما هم، چنین شخصیتی است که من بازی می‌کنم و کزنه خدا حافظ که ما همه تایید کردیم که دقیقاً آجرلوی مدنظرمان چنین شخصیتی است. مرحوم فتحی در همان دیدار و برخورد نخست با طرز بیان و منش رفتاری‌ای که داشت نشان داد چقدر بازیگر حرفه‌ای و درجه یک است و من آن دیدار را همیشه در خاطرم دارم.



در سینما و تلویزیون اغلب اوقات شاهد این مسیر پخته شدن نیستیم و کسی مانند مهدی فتحی، علی نصیریان، عزت‌ا... انتظامی، انوشیروان ارجمند و... را که در طول فعالیت کاری‌شان پخته شدند، دیگر نداریم چون همین پخته شدن باعث تواضع، حرفه‌ای شدن و تعهد می‌شود.

این صحنه فقط یک دیالوگ داشت. با این وجود تصور کردم شاید دیالوگی اضافه شده و من اطلاع ندارم. وقتی دید من دارم به او نگاه می‌کنم و شاید از نگاهم سوال را خوانده بود، گفت باید این جمله را طوری بگویم که دفعه‌های قبل نگفته‌ام و با قبلی‌ها فرق داشته باشد. یعنی می‌گفت این دیالوگ تکراری است اما گله نکرده و خودش تلاش می‌کرد آن را طوری دیگری بگوید. به دلیل همین توجه آقای فتحی به نقش تصمیم گرفتیم پیش‌داستانی در نظر بگیریم و قصه‌ای بگذاریم که کمک کند تا نقش آجرلو عمق بگیرد.

به نظر شما چه ویژگی‌هایی در بازیگرهایی مانند مرحوم فتحی وجود داشت که معتقد هستید در بازیگرهای جوان این روزها نیست؟

آموزش. آنها برای آنکه بازیگر شوند استخوان خرد کردند تا بازیگر شدند. متأسفانه در حال حاضر ممکن است برخی با یک کار چهره شوند و آن مسیری را که باید پختگی داشته باشد، طی نکنند. بازیگر شدن فقط به آموزش نیاز ندارد بلکه به پختگی هم نیاز دارد. در تئاتر این اتفاق رخ می‌دهد. معمولاً بازیگرهایی که در تئاتر چهره می‌شوند این پختگی را از سر می‌گذرانند اما



مهدی فتحی در آخرین روزهای عمرش در بیمارستان